

مِنْ قَبْلِكَ وَالْآخِرَةَ هُمْ رُؤُوفٌ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأَوْفَاءٌ

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

اشاره

ابوالفضل علامی نامی آشنا برای اهالی قرآن است. ایشان علاوه بر تدریس در رشته‌های گوناگون علوم قرآنی و داوری مسابقات قرآن، بیش از ۱۳ جلد کتاب در زمینه‌های وقف و ابتدا، تجوید، قرائت و... دارد. موضوع علائم و نشانه‌های وقف و محل‌های وقف از دیرباز محل‌گفت‌وگوهای علمی بسیاری بوده است. در این بین «علائم، وقف سجاوندی» جایگاه خاصی دارد که استاد علامی در مقاله‌ی حاضر بدان می‌پردازد. امیدواریم با مطالعه‌ی این نوشتار به نکات تازه و حائز اهمیت دست یابید.



مقدمه

نام سجاوندی برای بسیاری از قرآن‌پژوهان و قرآن‌آموزان، نامی آشناست؛ به‌خصوص برای قاریان، حافظان و قرآن‌پژوهانی که انس بیشتری با قرائت قرآن و علوم مربوط به آن دارند و دوست دارند قرآن را آن‌گونه که نازل شده است، بخوانند و هنگام وقف در میان آیات و پایان آن، مراقب هستند در جاهایی وقف کنند که معنای کلام خدا دچار آسیب نشود.

اما باید اعتراف کرد که آگاهی ما از علائم وقف سجاوندی در حد زیادی نیست. مثلاً نمی‌دانیم سجاوندی کیست و این علائم را در چه قرنی وضع کرده است. اصولاً این علائم چه تفاوتی با هم دارند و تعریف هر یک از آن‌ها چیست؟

آن‌چه ما را واداشت، قلم به دست بگیریم و در این باره مقدمه‌ای بنویسیم، پاسخ به پرسش‌هایی پیدا و پنهان در این زمینه است و پرسش‌های علاقه‌مندانی که دوست دارند در این باره اطلاعاتی داشته باشند.

علائم وقف سجاوندی

ابوالفضل علامی
مدرس مرکز آموزش معلمان

مقاله‌ی حاضر در پی آگاهی دادن درباره‌ی این مسائل است:

- منظور از علائم وقف و ضرورت استفاده از آن در مصحف.
- تاریخ و پیشینه‌ی علائم وقف.
- آشنایی با علائم وقف سجاوندی.
- شناخت سجاوندی و اقسام وقف از نظر او.
- علامت «لا» در میان علائم سجاوندی نشانه‌ی چه نوع وقفی است؟



منظور از علائم وقف

«علائم» جمع «علامت» و به معنی «نشانه‌ها» است. «وقف» در اصطلاح علم قرائت [النشر فی القرات العشر، ج ۱: ۲۴۰] به معنی قطع صدا بر کلمه‌ای به مدت کوتاهی است که معمولاً برای تنفس لازم است، با قصد ادامه‌ی قرائت. به نمونه‌هایی از علامت‌های وقف نگاه کنید: ج، ز، ط، لا، صلی و قلی. آیا آن‌ها را در قرآن دیده‌اید؟

بنابراین، منظور از علائم وقف، نشانه‌هایی است که محل‌های «توقف» و وقف نمودن را هنگام قرائت قرآن به قاری نشان می‌دهند. گاهی به جای علائم وقف از اصطلاح «رموز وقف» استفاده می‌شود. «رموز» جمع کلمه‌ی «رمز» است و به معنای علامتی است که نشان‌دهنده‌ی یکی از اقسام وقف است. این علامت‌ها به شکل حروف هستند و معمولاً به صورت یک حرفی، دو حرفی، سه حرفی و چهار حرفی در مصاحف دیده می‌شوند. ضمناً این علامت‌ها را بین کلمات و بالای خطوط اصلی مصحف می‌گذارند تا با خط قرآن خوانده نشود.



ضرورت علائم وقف

براساس آموزه‌های قرآنی، بهترین روش قرائت قرآن، روش «ترتیل» است. زیرا، اولاً قرآن به صورت ترتیل نازل شده است و ثانیاً، خدای متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) دستور داده است قرآن را به روش ترتیل بخواند.^۲

به این دلیل، اگر ما نیز بخواهیم قرآن را آن‌گونه بخوانیم که نازل شده است و به روش پیامبر (ص) و سایر پیشوایان دینی تلاوت کنیم، باید به روش ترتیل قرآن بخوانیم، یکی از ویژگی‌های قرائت ترتیل توجه به محل‌های وقف هنگام قرائت قرآن است.

شخصی از امیرمؤمنان، علی (ع) درباره‌ی معنای این آیه پرسید: «ورتل القران ترتیلاً» [مزمّل / ۴] و قرآن را با دقت و تأمل بخوان.

امام (ع) در پاسخ فرمود: «ترتیل عبارت است از آشنایی با وقف‌های قرآن و خوب تلفظ کردن حروف.»^۳

از گفته‌ی امام علی (ع) نتیجه می‌گیریم که قرائت ترتیل دارای دو ویژگی است:

۱. شناخت محل‌های وقف در قرآن.
۲. صحیح و خوب خواندن حروف.



پیدایش دانش وقف و ابتدا

قرآن‌پژوهان و دانشمندان علم قرائت، با الهام از کلام امام علی (ع)، بر آن شدند تا مبانی و ملاک‌هایی را برای شناخت محل‌های وقف قرآن بیابند. زیرا می‌دیدند، بسیاری از مشکلات قرآن‌خوانان - خصوصاً غیر عرب‌ها - هنگام قرائت قرآن، این است که محل‌های درستی را برای توقف قرائت و تجدید نفس بین آیات انتخاب نمی‌کنند و بر اثر این بی‌توجهی، چه‌بسا معنای کلام الهی، ناقص و نامفهوم می‌شود. حتی گاهی معنای آیه تغییر می‌یابد.

با شیوع این مشکل، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی محل‌ها و مواضع وقف در قرآن توسط قرآن‌پژوهان شروع و به این وسیله، دانش «وقف و ابتدا» پایه‌ریزی شد و به صورت دانشی مستقل، در میان سایر علوم قرآنی تولد یافت. در این علم از مبانی و ملاک‌های شناخت محل‌های وقف در آیات، اقسام وقف، علائم وقف و... سخن رفته است.



پیشینه‌ی وضع علائم وقف

پس از گذشت این دوره بود که عالمان قرائت درصدد برآمدند، علائمی را برای محل‌های وقف و اقسام وقف‌ها وضع کنند تا در نوشتن مصحف و خواندن قرآن، از آن استفاده شود. زیرا وضع علائم برای محل‌های وقف، در صحیح خواندن و فهم معنای آیات قرآن نقش مهمی دارد، و برعکس، نبودن علائم وقف، سبب وقف نادرست و ناقص شدن معنای آیات و یا تغییر آن می‌شود.



نخستین علائم وقف

در پاسخ به این سؤال که: «چه زمانی نخستین علائم برای محل‌های وقف قرآن وضع شدند؟» سه نظریه وجود دارد:

نظریه‌ی اول: برخی ادعا کرده‌اند این رخداد در قرن دوم هجری روی داده است. هنگامی که از علت این برداشت می‌پرسیم، پاسخ می‌دهند: **ابویوسف**^۴ (ف ۱۸۹ هـ. ق) هنگامی که باخبر شد عده‌ای مواضع وقف را در قرآن به وقف

سجاوندی از قرآن پژوهان قرن ششم هجری است. اقسام علائم وقف پیشنهادی او به اندازه‌ای با استقبال روبه‌رو شد که تا به امروز از آن در مصاحف استفاده می‌شود

ز = علامت وقف مجوز.

ص = علامت وقف مرخص.

لا = علامت وقف غیر جایز و ممنوع [الوقف و الابتداء: ۱۲۴ -

۱۲۳].



سجاوندی کیست

ابوعبدالله محمد بن طیفور غزنوی سجاوندی^م (م. ۵۶ هـ)، از مشاهیر علمای تفسیر، علوم قرآن و نحو است. او اهل غزنین بود. این شهر سابقاً جزو خراسان بزرگ بود و در حال حاضر شهری از ولایت خوارزم افغانستان است. سجاوندی تألیفات متعددی دارد و در تفسیر و مسائل مربوط به قرآن صاحب نظر بوده است. تألیفات او به این قرار است.

● عین المعانی فی تفسیر السبع المثانی

● غرائب القرآن

● علل القراءات

● معرفه أحزاب القرآن و أصفاه و أرباعه و أجزائه

● الوقف و الابتداء (الصغیر)

● کتاب الوقف و ابتداء (الایضاح فی الوقف و الابتداء) [همان،

ص ۲۴-۲۱].

او کتابی نیز به زبان فارسی نوشته به نام «ذخایر ثمار در معانی

اخبار سید مختار»، که عوفی در کتاب «لباب الالباب» از آن یاد

کرده است [دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲: ۱۱۹۰].

سجاوندی از قرآن پژوهان قرن ششم هجری است. اقسام

علائم وقف پیشنهادی او به اندازه‌ای با استقبال روبه‌رو شد

که تا به امروز از آن در مصاحف استفاده می‌شود. در تمام

کشورهای اسلامی، کسانی که با قرآن آشنایی و انسی دارند،

او را می‌شناسند و در کشورها ما- ایران- نیز چنین است. در

بسیاری از کتاب‌خانه‌های مشهور ایران که مصاحف خطی

در آن‌ها یافت می‌شود، علائم وقف سجاوندی نیز در آن‌ها

خودنمایی می‌کنند. حتی در حال حاضر که علائم وقف مصری

تام، حسن و قبیح تقسیم کرده‌اند، سخت برآشفتم و کار آنان را بدعت شمردم. این خبر گرچه در مورد اقسام وقف است و بر انکار علائم وقف صراحت ندارد، ولی می‌توان برداشت کرد که عالمان قرائت همراه اقسام وقف، علائمی را نیز ارائه کرده‌اند [الکشف عن احکام الوقف و الوصل فی العربیه: ۲۰-۱۹].

نظریه‌ی دوم: بسیاری از قرائت پژوهان و عالمان علوم قرآنی، وقف بر انتهای آیات را «سنت» دانسته‌اند. حکایت شده است که رسول خدا(ص) در پایان آیات وقف می‌کرده‌اند. لذا به پیروی از پیامبر(ص)، خوب است مسلمانان هنگام تلاوت قرآن در پایان آیات وقف کنند.

هرگاه فواصل و انتهای آیات را محل‌هایی برای وقف بشماریم، باید گفت: «نخستین علائمی که برای محل‌های وقف وضع شده‌اند، علائمی هستند که برای انتهای آیات قرار داده‌اند. ابوعمرو دانی، درباره‌ی گذاردن علامت در پایان آیات چنین می‌نویسد: «قرآن‌ها در ابتدای امر خالی از هر گونه علامتی بوده... سپس در انتهای آیات نقطه‌هایی را قرار دادند [المحکم فی نقط المصاحف: ۲ و ۱۷].

امین‌الاسلام طبرسی نیز در این باره می‌نویسد: «در انتهای هر آیه‌ای از مصاحف، سه نقطه گذاشته شد» [مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱: ۷۷].

بنابر گفته‌های ابوعمرو دانی در «المحکم» و آن‌چه برخی از قرآن پژوهان در بررسی نسخه‌های خطی قرآن مربوط به قرون اول تا سوم هجری نوشته‌اند، به احتمال زیاد گذاردن علامت در پایان آیات، در اواخر قرن اول هجری به‌وقوع پیوسته است، اما واضع آن مشخص نشده است [المحکم فی نقط المصاحف: ۲؛ خوش‌نویسی در خدمت کتابت قرآن مجید: ۵۹].

نظریه‌ی سوم: نخستین علائمی که برای وقف وضع شده‌اند، همان‌هایی هستند که در سده‌ی ششم هجری قمری ابداع و به علائم یا رموز سجاوندی معروف شدند. این علائم‌ها را در اواسط یا پایان آیات در محل‌های وقف قرار می‌دهند. شواهد تاریخی و مصاحفی که در دست است، این نظریه را بیشتر تأیید می‌کنند.



علائم وقف سجاوندی

از نظر سجاوندی مواضع وقف در قرآن پنج قسم است و برای هر یک از آن‌ها علامتی وضع کرد. یک علامت نیز برای مواضعی قرار داد که وقف در آن‌ها جایز نیست و ممنوع است. این علائم به‌ترتیب عبارت‌اند از:

م = علامت وقف لازم.

ط = علامت وقف مطلق.

ج = علامت وقف جایز.



نخستین علائمی که برای محل‌های وقف وضع شده‌اند، علائمی هستند که برای انتهای آیات قرار داده شده‌اند

(خلف‌الحسینی) در ایران و سایر کشورهای اسلامی رایج شده است، باز هم کم و بیش مصاحفی چاپ می‌شوند که علائم وقف آن‌ها، علائم سجاوندی است. به این دلیل برای آشنایی جامعه‌ی قرآنی کشور و قرآن‌پژوهان و دوست‌داران قرائت قرآن، لازم دیدیم این علائم را تعریف کنیم و جایگاه هر کدام را از نظر مراتب وقف توضیح دهیم.



اقسام وقف از نظر سجاوندی

هریک از علائم وقف سجاوندی نشان‌دهنده‌ی یک قسم از اقسام وقف است. سجاوندی پس از بررسی محل‌هایی که وقف در آن‌ها ممکن است، می‌گوید: «وقف در قرآن پنج قسم است. وقف لازم، وقف مطلق، وقف جایز، وقف مجوز لَوْجَه و وقف مرخص لضروره» [الوقف و الابتداء: ۱۰۵-۱۰۴].

پس از بیان اقسام وقف، برای هر یک از آن‌ها علائمی وضع شده است که پیش از این ذکر شد. اینک به شرح، تعریف و حکم اقسام وقف سجاوندی می‌پردازیم.

۱. وقف لازم: این وقف در موضعی است که اگر دو طرف محل وقف به هم وصل شوند، معنایی از کلام و جمله تصور می‌شود که خلاف معنای حقیقی آن است و کلام را نازیبا می‌کند.^۶ مانند وقف در «و ما هم بمؤمنین» از آیه‌ی ۸ سوره‌ی بقره: «و من الناس من یقول ءامناً بالله و بالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین»^۷

وقف در این جا، «وقف لازم» است. اگر کسی «و ما هم بمؤمنین» را به «یخادعون الله» در آیه‌ی «یخادعون الله و الذین ءامنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون»^۸ وصل کند، مفهوم و معنای اصلی کلام تغییر می‌کند و تصور می‌شود مؤمنان کسانی هستند که به خدا خدعه و نیرنگ می‌زنند. در حالی که آیه‌ی اخیر درصدد نفی ایمان منافقان و بیان نیرنگ آن‌ها با خداست [همان، ص ۱۰۵].

علامت و حکم وقف لازم: حرف (م) علامت وقف لازم

است. هر جا این علامت دیده شد، قاری باید وقف کند، و لذا به وصل خواندن آن از نظر سجاوندی صحیح نیست.

۲. وقف مطلق: این وقف در موضعی است که ابتدا و شروع آن، از جمله‌ی بعدی مطلوب است.^۹

از نظر سجاوندی هر موردی که ابتدا کردن از آن برای شروع قرائت خوب باشد، پیش از آن موضع برای وقف نیز مطلقاً خوب است. این موارد عبارت‌اند از:

● ابتدا از اسم مبتداء، مانند «الله یجتبی الیه من یشاء» [شوری/ ۱۳].

● ابتدا از فعل مستأنف با «س» یا غیر آن، مانند «سیقول الشفهاء» [یقره/ ۱۴۲] و «بعید لایشرون بی شیئاً» [نور/ ۵۵].

● ابتدا از مفعول محذوف، مانند «وعد الله» [نساء/ ۲۲] که به معنای «وعد الله وعداً» است. زیرا هنگامی که فعل حذف شد، مصدر به فاعل اضافه می‌شود.

● ابتدا از شرط، مانند «من یشاء الله یضلل» [انعام/ ۳۹].

● ابتدا از استفهام، مانند «أتريدون أن تهتدوا» [نساء/ ۸۸].

● ابتدا از نفی، مانند «و ما کان لهم الخیره» [قصص/ ۶۸؛ الوقف و الابتداء: ۱۰۸-۱۰۷].

هم‌چنین، مواردی مانند عدول از «إخبار» به «حکایت» و یا عکس آن، عدول از «ماضی» به «مستقبل» و عکس آن، با عدول از «إستخبار» به «إخبار» و مانند این‌ها، از مواضع وقف مطلق است [همان، ص ۱۱۰].

علامت و حکم وقف مطلق: حرف «ط» علامت وقف مطلق است. هنگام برخورد با این علامت، وقف مطلقاً خوب است و ابتدا نمودن به قرائت پس از علامت وقف نیز مطلقاً خوب است.

۳. وقف جایز

وقف جایز در موضعی است که وقف نمودن و به وصل خواندن آن هر دو بلا اشکال است. زیرا هر دو دارای دلیل و علت است.^{۱۰}

مثال برای وقف جایز: مانند وقف بر «والذین یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک» در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۴، ابتدا از «و بالآخره هم یوقنون»^{۱۱} در این جا واو عطف اقتضا می‌کند، جمله‌ی قبلی به جمله‌ی بعدی وصل شود، زیرا نشانه‌ی ارتباط دو جمله با یکدیگر است.

از طرف دیگر، مقدم شدن مفعول (بالآخره) بر فعل، در جمله‌ی دوم اقتضا دارد که جمله‌ی اول را از جمله‌ی دوم جدا کنیم. برای این که جلواتادن مفعول از فعل، نظم کلام را قطع می‌کند. بنابراین، جمله‌ی دوم در اصل «و یوقنون بالآخره» بوده است. به این دلیل جایز است که آن را از جمله‌ی نخست جدا

بخوانیم [همان، ص ۱۱۱].

علامت و حکم وقف جایز: علامت آن «ج» است. این علامت هر جای آیات باشد، وقف کردن و به وصل خواندن آن، هر دو جایز است.

۴. وقف مجوز لَوْجَه

وقف بر موضعی را «مَجُوزٌ لَوْجَه» نامند که اگر چه به وصل خواندن آن بهتر است، ولی به علتی و بنا به وجهی، وقف بر آن نیز جایز است. بنا به اختصار این نوع وقف را وقف «مجوز» می‌نامیم. **مثال برای وقف مجوز:** مانند وقف بر «بالآخره» در آیهی ۸۶ سورهی بقره: «وَأُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ» و ابتدا نمودن از: «فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ»^{۱۲} شایسته است این آیه به وصل خوانده شود و در «بالآخره» وقف نکنند، چون «ف» در قسمت بعدی آیه، یعنی «فَلَا يَخْفَىٰ عَنْهُمْ» در بردارندهی جواب و جزای کار اهل دنیا است و موجب به وصل خواندن آیه می‌شود.

هم چنین می‌توان گفت بنا به وجهی «فَلَا يَخْفَىٰ» جملهی استینافی (جدید) است. لذا آن را می‌شود دلیلی برای جدا کردن دو جمله از یکدیگر قرار داد و بر «بالآخره» وقف کرد [پیشین].

علامت و حکم وقف مجوز: حرف «ز» علامت وقف مجوز است. جایی که این علامت قرار دارد، به وصل خواندن بهتر است، ولی وقف آن نیز بنا به وجهی جایز است.

۵. وقف مرخص لِضَّرُورَه

این وقف را به خاطر اختصار، وقف «مرخص» نامیده‌اند. در تعریف وقف مرخص گفته‌اند: وقف در موضعی را مرخص گویند که جملهی بعدی آن از جملهی ماقبل بی‌نیاز نیست، ولی به خاطر طولانی بودن کلام و اتمام نفس، و از باب ضرورت، برای وقف رخصت داده‌اند. پس از وقف، ابتدا از کلمات قبل از محل وقف نیز لازم نیست، زیرا جملهی بعدی دارای معنا و مفهوم است.^{۱۳}

مثال برای وقف مرخص: از مصادیق وقف مرخص وقف بر «بناء» در آیهی ۲۲ سورهی بقره،

یعنی «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً» است، زیرا جملهی بعدی و ادامه‌ی آیه، یعنی «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَآخَرَ بِهِ مِنَ الشَّرَارِ رِزْقًا لَّكُمْ»^{۱۴}، از جملهی قبلی بی‌نیاز نیست و فاعل «انزل»، ضمیری (ضمیر مستتر در انزل) است که به جملهی قبلی برمی‌گردد، ولی به خاطر طولانی بودن آیه، می‌توان روی «بناء» وقف را انجام داد و از «انزل» شروع به قرائت کرد؛ چون جملهی دوم به تنهایی نیز دارای معنا و مفهوم است. به این دلیل، فاصله انداختن بین دو جمله مانعی ندارد.

علامت و حکم وقف مرخص:

علامت آن حرف «ص» است و معمولاً آن را در موضع مناسبی از آیات طولانی قرار می‌دهند. هر جا این علامت باشد وقف جایز است، اما اگر قاری بتواند در جای مناسب‌تری وقف کند، بهتر است.

وقف غیر جایز

تا این جا از علامتی بحث شد که وقف در آن‌ها جایز است. در مصاحفی که از علائم سجاوندی استفاده شده است، علامتی به شکل «لا» وجود دارد که نشانه‌ی عدم وقف است. سجاوندی از آن با عنوان «ما لا يجوز الوقف علیه» نام می‌برد؛ یعنی موضعی که وقف بر آن جایز نیست، برخی تصور می‌کنند، در مصاحفی که از علائم سجاوندی استفاده شده است، هر جا که علامت «لا» گذشته‌اند، به معنای وقف «قیح» و وقف در آن ممنوع است. ولی سجاوندی پس از بیان معیارهای وقف غیر جایز اضافه می‌کند: بیش تر مواردی که به عنوان وقف غیر جایز آمده مواردی که چون ابتدا از مابعد آن قیح است، لذا باید از وقف پرهیز کرد؛ مانند وقف در کلمه «من العلم» در آیهی ۱۲۰ سورهی بقره: «وَلِئَلَّا تَتَّبِعَ أَهْوَاءَ هُم بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ لَا مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»؛ و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یاور از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

وقف بر «العلم» جایز نیست، زیرا «ما لک» جواب «و لئن اتبعت أهوائهم» است. در صورت جدا خواندن، قسمت اخیر، جملهی اخباری جدیدی می‌شود که اشتباه بودن آن آشکار است [همان، ص ۱۱۶-۱۱۵].

از این سخن سجاوندی نتیجه می‌گیریم، در همه‌ی جاهایی که علامت «لا» وجود دارد، وقف قیح نیست، بلکه در بسیاری از موارد، وقف مانعی ندارد. ولی ابتدا از مابعد آن قیح است، لذا در صورت وقف در این مواضع، باید از جای مناسبی پیش از موضع وقف شروع به قرائت کرد.

در این زمینه قرائت‌پژوه بزرگ، ابن جزری، در کتاب «التنشر» مطالب ارزنده‌ای دارد که خلاصه‌ای از آن، برای

**سجاوندی اهل
غزنین بود این شهر
سابقاً جزو خراسان
بزرگ بود و در حال
حاضر شهری از ولایت
خوارزم افغانستان است**

آگاهی خوانندگان محترم تقدیم می‌شود. ابن جزری می‌نویسد: «سجاولندی علامت وقف غیر جایز «لا» را زیاد به کار برده و از نظر او به معنی **لاتقف** و عدم وقف است. در حالی که در اکثر جاها، این علامت در موضع وقف **حَسَن** به کار رفته و وقف بر آن جایز است، ولی ابتدا از مابعد آن جایز نیست. حتی در موارد زیادی که از این علامت استفاده شده، ابتدا از مابعد نیز جایز است. لذا افرادی که در احکام وقف از سجاولندی پیروی می‌کنند، به گمان این که وقف در موارد «لا» تماماً قبیح است، هرگاه نفس کم می‌آورند، وقف **حَسَن** را رها می‌کنند و بر موضعی که ممنوع و قبیح است، وقف می‌کنند.

برای نمونه به این مورد توجه کنید:

سجاولندی وقف بر **صراط الدین أنعمت علیهم [حمد/**

۶] را جایز ندانسته است. به همین دلیل، عده‌ای برای پرهیز از وقف بر آن، بر **غیر المغضوب**... ادامه می‌دهند. در صورتی که وقف بر (غیر) حتماً **قبیح** است، زیرا وقف بر **مضاف** بنا به نظر همه‌ی قرائت پژوهان، قبیح است.

ما می‌گوییم وقف در صراط الدین أنعمت علیهم وقف حسن است. بنابراین وقف مانعی ندارد، ولی ابتدا از مابعد آن ممنوع است و باید پیش از محل وقف از جای مناسبی ابتدا شود» [النشر فی القراءات العشر، ج ۱: ۲۳۳-۲۳۴].

ابن جزری درباره‌ی معنای صحیح علائم «لا» از نظر سجاولندی معتقد است: «منظور سجاولندی از لا در خیلی از موارد این است که بر این کلمه وقف نکنید، چنان چه بنا دارید از مابعد آن ابتدا کنید.^{۱۵} به عبارت دیگر می‌توانید وقف کنید، ولی اگر وقف کردید، باید پیش از محل وقف و از جای مناسبی شروع به قرائت کنید.



موارد وقف غیر جایز

به نظر سجاولندی در این موارد وقف غیر جایز است:

- وقف میان شرط و جزای شرط (جزا مقدم یا مؤخر باشد)، مانند «قد افترینا علی الله کذباً^{۱۶} ان عدنا فی ملتکم بعد إذ نجینا الله منها» [اعراف/ ۸۹].
- وقف میان میدل و بدل آن، مانند «اهدنا الصراط المستقیم^{۱۷} صراط الدین أنعمت علیهم» [حمد/ ۷-۶].
- وقف میان مبتدا و خبر، مانند «والذین ءاوا و نصروا^{۱۸} اولئک هم المؤمنون حقاً» [انفال/ ۷۴].
- وقف میان منوع و نعمت، مانند «هدی للمتقین^{۱۹} الذین یؤمنون بالغیب...» [بقره/ ۳-۲].
- وقف میان منسوق علیه و منسوق، مانند «و مما رزقنا هم ینفقون^{۲۰} و الذین یؤمنون...» [بقره/ ۴-۳].

● وقف میان عامل و معمول، مانند «ان فی خلق السموات و الارض...» [بقره/ ۱۶۳].

تا پایان آیه نمی‌توان وقف کرد، زیرا «لآیات» اسم «ان» و جار و مجرور و در جای «خبر» واقع شده است.

● وقف بین مستثنی و مستثنی‌منه، مانند «فسجد الملائکه کلهم اجمهون^{۲۱} إلا ابلیس» [حجر/ ۳۱-۳۰].

پی نوشت

۱. «ورتلناه ترتیلاً» [فرقان/ ۳۲].
۲. «ورتل القران ترتیلاً» [مزل/ ۴].
۳. «الترتیل معرفه الوقوف و تجوید الحروف» [النشر فی القراءات العشر، ج ۱: ۲۲۵].
۴. از قرآن پژوهان قرن دوم و رفیق بحث ابوحنیفه، یکی از پیشوایان مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت است.
۵. سجاولندی عربی شده «سکاوند»، اسم کوهی است نزدیک سیستان که معرب آن سجستان است (رک: تجوید استدلالی: ۳۱۲).
۶. فاللازم من الوقوف مالو وصل طرفاه غیر المرام و شنع الکلام.
۷. گروهی از مردم کسسانی هستند که می‌گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده‌ایم، در حالی که ایمان ندارند.
۸. می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند، در حالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند؛ (اما) نمی‌فهمند.
۹. ما یحسن الابتداء بما بعد.
۱۰. و أمسا الجائز: فما یجوز فیه الوصل و الفصل لتجاذب الموجبین من الطرفین [رک: همان، ص ۱۱۱].
۱۱. و آنان که به آن چه بر تو نازل شده و آن چه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده است، ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند.
۱۲. این‌ها همان کسانند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند. از این رو عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آن‌ها را یاری نخواهد کرد.
۱۳. و ما لا یستغنی ما بعد عما قبله، لکنه یرخص الوقف ضوره انقطاع النفس لطول الکلام، و لایلزمه الوصل بالعود، لأن ما بعد جمله مفهومه لقوله «و السماء بناء» لأن قوله «و انزل» لا یستغنی عین سیاق الکلام: فإن فاعله یعود الی الصریح المذكور قبله [رک: الوقف و الابتداء: ۱۱۲].
۱۴. آن کسی که زمین را بستر شما، و آسمان (= جو زمین) را هم چون سقفی بالای سر شما قرار داده است و از آسمان آبی فروستاد و به وسیله‌ی آن میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد.
۱۵. «قلیعلم أن مراد السجاولندی بقوله «لا» ای لا یوقف علی أن یبتدا بما بعده کغیره من الاوقاف» [النشر، ج ۱: ۲۳۴].

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی. دفتر مطالعات و معارف اسلامی. قم.
۲. فاضل گروسی، آیت‌الله عبدالحسین. تجوید استدلالی. تحقیق محمدعلی کوشا. نشر شفا. چاپ اول. ۱۳۷۴.
۳. پاک‌سرشت، مرتضی. خوش‌نویسی در خدمت کتابت قرآن مجید. انتشارات قدیانی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۹.
۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین و دوستان، ناهید. دانش‌نامه‌ی قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران. ۱۳۷۷.
۵. سجاولندی، محمدبن طیفور. الوقف و الابتداء. دکتر محسن هاشم‌درویش. دارالمناهج، عمان (اردن). چاپ اول. ۱۴۲۲ هـ. ق/ ۲۰۰۱ م.
۶. محیسن، دکتر محمدسالم. الکشف عن احکام الوقف و الوصول فی العربیه. دارالجیل. بیروت.
۷. امین‌الاسلام طبرسی. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. دارالمعرفه. بیروت. چاپ اول. ۱۴۰۶ هـ. ق/ ۱۹۸۶ م.
۸. دانی، ابومر و عثمان بن سعید. المحکم فی نقط المصاحف. دارالفکر. بیروت. چاپ دوم. ۱۴۰۷ هـ. ق/ ۱۹۸۶ م.
۹. جزری، ابوالخیر محمدبن. النشر فی القراءات العشر. مطبعه محمد. قاهره.

